

1048

۱۰۰۰

تبار شناسی واژگان در

گویش بهبهانی

عصا

جلد ۳

محقق و پژوهشگر

فرخنده نشانی

آواهای گویش بهبهانی

$D/d = د$	$a = ا$
$z/Z = ذ / ز / ض / ظ$	$e = $
$R/r = ر$	$O = اُ / عُ$
$ž/\check{Z} = ژ$	$\check{A}/\bar{a} = آ$
$\check{s}/\check{S} = ش$	$i/I = ای$
$E/e = ع$	$\bar{u} = (و کشیده)$
$Q/q = ق / غ$	$\square = اُ (کشیده)$
$f/F = ف$	$\square = اِ (کشیده)$
$k/K = ک$	$B/b = ب$
$g/G = گ$	$P/p = پ$
$L/l = ل$	$T/t = ط / ت$
$m/M = م$	$s/S = ث / س / ص$
$n/N = ن$	$j/J = ج$
$v/V = و$	$\check{c}/\check{C} = چ$
$Y/y = ی$	$H/h = ه / اَ$
$\square = ای (کشیده)$	$x/X = خ$

سرشناسه	: بسایی، فرخنده
عنوان و نام پدیدآور	: تبارشناسی واژگان در گویش بهبهانی/ محقق و پژوهشگر فرخنده نشانی.
مشخصات نشر	: قم: نسیم حیات، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ج.: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
سایک	: ۱۴۰۰۰۰ ریال: ج. ۴: ۱۲۳-۹۷۸-۶۰۰-۹۷۸۶۲۲۹۹۱۴۴ : ج. ۳:
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
راژ است	: فهرست نویسی براساس جلد دوم، ۱۳۹۶.
بار است	: ج. ۳ (جاب اول: ۱۳۹۷) (فبا).
ناشر است	: ناشر جلد سوم، انتشارات امام المعتبر (ع) است.
موضوع	: بهبهانی
موضوع	: Behbehani dialect
موضوع	: گویش شناسی
موضوع	: Dialectology
رده بندی کنگره	: ی. ۱۳۹۰/۵۸۲/ب/ PIRTTA۶
رده بندی دیویی	: ج. ۲۱۹۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۹۳۳۲۱۳

شناسنامه ی کتاب

نام کتاب.....	تبارشناسی واژگان در گویش بهبهانی جلد ۳
نویسنده	فرخنده نشانی
ناشر.....	امام المتقین (ع)
طراح جلد.....	امین راستی بهبهانی
تیراژ.....	۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ	اول/ ۹۷
چاپخانه	البرز
قیمت	۲۵۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۹۶۹۱-۴-۴

حق چاپ بر عهده مؤلف می باشد

مراکز پخش: ۰۹۱۶۳۷۱۱۳۳۹ - ۰۹۱۲۵۵۳۷۰۴۳

مقدمه

«به نام خدایی که اندیشه های ژرف، از درک حقیقت ذاتش ناتوان هستند.»
 زبان، یکی از شگفت انگیزترین ویژگی های بشر است. انسان به کمک این
 مشخصه نه تنها از دیگر جانداران متمایز می شود که زمینه برای پیشرفت او و
 حتی برتریش بر تمام جانداران فراهم می شود.

زبان، پدیده ای فرهنگی است اگرچه خود زبان می تواند رکن اساسی فرهنگ
 را هم تشکیل دهد. فرهنگ، حفظ دستاوردهای مادی و غیرمادی است که از
 طریق آموزش منتقل می شود اما زبان به عنوان رکن اساسی، مهم ترین عامل
 در تعیین هویت فردی، قومی و ملی می باشد. درست است که زبان ها و گویش
 ها از کلمات تشکیل شده اند اما هر کدام از این واژگانی که تلفظ می شوند کوله
 باری از سرمایه های فرهنگی بر دوش دارند که از پس قرون و اعصار، این بار
 فرهنگی را به عنوان امانت به ما سپرده اند.

اکنون جامعه شناسان معتقدند که زبان ها، نوعی موجودات زنده هستند که
 همانند سایر موجودات زنده، یک چرخه ی زندگی دارند. این چرخه ی زندگی از
 تولد شروع شده تا طفولیت، بلوغ و سپس زوال تدریجی تا نهایتاً مرگ و
 خاموشی آن واژه را دربرمی گیرد.

زبان هر جامعه و نیز واژگان از تولد تا مرگ، مسیرهای مختلفی را طی می
 کنند و حالت های گوناگونی را تجربه. یکی از قوانین عمومی عالم «تغییر و
 تحول» است. به گفته ی هراکلیت حکیم یونان باستان «در یک رودخانه دو بار
 نمی توان شنا کرد چون بار دوم هم رودخانه تغییر کرده و هم شناگر»
 به قول سعدی:

آنچه دیدی برقرار خود نماند آنچه بینی هم نماند برقرار

زبان هم مانند امور دیگر جهان در حال تغییر، تحول و تبدل است. زبان، می
 تواند مانند دیگر نهادهای اجتماعی و بنیادهای دیگر جامعه چون اقتصاد،
 سیاست، خانواده و ... دگرگون شود با این تفاوت که زبان، بنیادی دیرپا و بطیی
 السیر است؛ پس سرعت تطوّر و دگرگونی در زبان، از دیگر نهادها، کم تر است
 زیرا اگر سرعت در تحول زبان، سریع باشد و یا بیش از حد تغییر کند، نمی تواند

وظیفه‌ی ارتباطی خود را به خوبی انجام دهد و مردم ۱۰ یا ۲۰ سال بعد از ما، سخنان ما و هم عصران ما را نخواهند فهمید و در نتیجه گسستگی فرهنگی پیش می‌آید.

تحوّل در زبان گفتاری نسبت به زبان نوشتاری، مشهودتر، سریع‌تر و بارزتر است. و علت آن را هم می‌توان در این نکته جست و جو کرد که زبان نوشتاری به علت وجود خط و کتابت، ثبت و ضبط شده است اما زبان گفتاری چندان قابل ثبت نبوده و یا ثبت نشده است.

زبان، جنبه‌های مختلفی دارد؛ گاهی جنبه‌ی صوری دارد و گاه جنبه‌ی معنایی، گاهی از لحاظ دستوری در نظر گرفته می‌شود و گاه از لحاظ واژگانی و اما بر اساس مشاهدات، تغییر در واژگان، سریع‌تر و بیش‌تر از تغییر در سایر جنبه‌هاست چرا که امروزه خیلی از واژگان قدیمی از بین رفته و بین مردم فراموش شده است. واژه‌های آزنداک (رنگین کمان)، روین (آردبیز/الک)، مُنخل و ... از بین رفته‌اند فقط گاه گاهی در متون ادبی قدیم دیده می‌شوند.

تحوّل و تغییر زبان و گویش علل و عوامل مختلفی دارد. گاه این دلایل ریشه‌ی زبانی و درونی دارند یعنی از ذات خود زبان سرچشمه می‌گیرد و گاه عامل بیرونی و غیرزبانی هم چون عوامل اقتصادی، فرهنگی، علمی و مانند آن. مثلاً روابط سیاسی یا فرهنگی یا تجاری و ... می‌تواند موجب قرض‌گیری واژگانی از زبان یا گویشی دیگر باشد همان گونه که در این آرای می‌تواند وام‌دهنده‌ی واژگانی قرضی هم بشود. از طرف دیگر عصر حاضر عصر تغییرات وسیع و تحولات سریع است. آثار چنین تحولاتی در تغییر مداوم تکنولوژی، فرهنگ مادی، ارزش‌های اخلاقی و ... قابل مشاهده است چنان که حتی سیستم‌ها هم از دستبرد این تغییر و تحولات برکنار نمانده‌اند. و مهم‌تر از همه، انحصار و آثار این تغییرات، زبان‌ها و گویش‌هایی است که دیگر کسی با آن‌ها تکلم نمی‌کند. پس زبان‌های کهن می‌میرند یا تغییر شکل می‌دهند و زبان‌های نو، جای آن‌ها را می‌گیرند.

مبحث مرگ زبان یا language death به ویژه از دهه‌ی ۹۰ میلادی یکی از حوزه‌های فعال در تحقیقات زبان‌شناسی بوده است. اگرچه یادآوری این نکته

هم لازم است که مرگ یک زبان یا گویش در واقع گنجینه ی عظیمی از تاریخ، فرهنگ و حتی نبوغ بشری را با خود به گور می برد.

نقطه ی مقابل مرگ زبان ها، پدیده ی «حفظ زبان» است. حفظ زبان ها، زمانی اتفاق می افتد که یک جامعه ی زبانی تصمیم می گیرد زبان آبا و اجدادی خود را حفظ کند و به استفاده از زبان مادری خود، همت می گمارد. در این صورت آن جامعه با تکلم به آن زبان یا گویش، از مرگ تدریجی و خاموشی آن زبان، جلوگیری می کند.

زبان شناسان، در بررسی پدیده ی زبان، تقسیم بندی های خاصی به عمل می آورند. ردین (۲۰۰۱: ۱) زبان ها را در سه گروه تقسیم بندی می کند:

وی زبانی که هیچ برشوری ندارد (یک زبان مرده یا خاموش) می نامد و زبانی که در میان نسل جوان و جوانان هیچ گویشور بومی ندارد، یک زبان (در حال احتضار/ رو به زوال) می نامد و، نهایت زبانی که گویشوران بومی آن بسیار اندک هستند، یک زبان (در معرض خطر/ آسیب پذیر) اطلاق می کند.

حال جای این سؤال است که گویش بهبهانی جزو کدام دسته ی زبانی مذکور قرار دارد؟ آیا از دسته زبانان در حال احتضار است یا از گروه زبانی آسیب پذیر و در معرض خطر؟

گویش بهبهانی یکی از گویش هایی است که اگرچه از لحاظ منطقه ی جغرافیایی، تعداد گویشوران و یا از لحاظ دایره ی لغات و واژگان کاربردی، محدودیت هایی دارد اما گنجینه ی واژگانی آن دارای لغات اصیل و پر باری بسیاری است. درست است که واژگان تولّد و مرگ دارند و ما به حکم جبر تاریخ واژگانی از بین می روند و واژگانی دیگر متولّد شده، جای آن ها را می گیرند اما گویش موجود پس از گذشت قرن ها تحوّل اجتماعی، فرهنگی، علمی و ... هنوز پابرجاست؛ جوی ها و رودهای متعدّدی در طول قرون به آن پیوسته و از آن واژه گرفته اند یا به آن واژه داده اند، واژه های ترکی، مغولی، عربی، انگلیسی و ... به آن مایه داده اند و واژگان اصیل فارسی باستان، اوستایی، پهلوی و ... به آن «جان مایه» داده اند و از طرف دیگر با نوش نوشته های جوکار، خادمیون، مصدر، محمّدیان و ... تغذیه کرده و از جویبار زلال اشعار آصفی، تقدیسی، تجلی، دژم،

رجایی، روانخواه، سید، سلطانی، سدهی، صناعی، محمدی، مرتب، مشتهی و... سرمست گردیده تا تبدیل به «گویش شیرین بهبهانی» گشته است و از پس قرون و اعصار، با فراز و فرودهای بسیار هنوز ثابت و پابرجاست. پس بر ماست که در حفظ آن بکوشیم زیرا حفظ زبان مادری به عنوان میراثی گران بها و گنجینه ای از فرهنگ و تاریخ، کاری بس عظیم و رسالتی بس سنگین است که بخش اعظم این رسالت، امروزه بر عهده ی قشر جوان و نیز تحصیل کردگان ماست.

یک دسته ی دیگر از کسانی که می توانند در حفظ گویش و زبان، بسیار مؤثر باشند «والدین» هستند. اگر والدین به جهت آموزش زبان معتبرتر، نگذارند فرزندان به زبان مادری تکلم کنند در این صورت، زبان مادری به نسل های بعد منتقل نمی شود. به ویژه نقش بسیار پررنگ مادر در این زمینه، قابل اغماض نیست. زیرا زبان شناسان در مورد مرگ زبان ها معتقدند مرگ زبان ها یا از بالا به پایین (*up-down language death*) اتفاق می افتد یا از پایین به بالا (*Bottom-up language death*) روی می دهد.

مرگ زبان ها از بالا به پایین، در سطح و گستره ای وسیع روی می دهد مثلاً زبان رسمی یک کشور یا یک جامعه از حالت رسمی بودن خارج می شود و کاربرد آن محدود می شود.

اما مبحث دوم که موضوع مورد بحث ماست، مرگ، بیش تر در مورد گویش هاست. سیر این فنا و نابودی گویش در این مرحله هم این گونه است که نخست اهمیت زبان مادری در خانواده کم می شود، والدین از آموزش زبان مادری به کودکان و یا صحبت کردن به زبان مادری خود به بهانه ها و یا دلایل مختلف، خودداری می کنند. در نتیجه کم کم کاربرد زبان مادری در موقعیت های دیگر اجتماع کم می شود، نسل جدید بزرگ می شود در حالی که بیش تر زبان دیگری غیر از زبان مادری شنیده است تا جایی که پس از مرگ کامل گویشوران قدیمی ممکن است زبان مادری رخت بربندد و ناپدید شود. و به این دلیل است که ما بر نقش مهم مادران در حفظ گویش و رسالت سنگین آن ها تأکید می کنیم.

کلام آخر

مجموعه ی کوچکی که به عنوان فرهنگ لغت پیش روی شماست ادامه ی جلد اوّل و دوم آن می باشد. و تحقیقی است در باره ی ریشه شناسی برخی واژگان و نام هایی که در گویش محلی به کار رفته و تحوّل صوری و یا معنایی آن ها را از صورت اصلی تا فعلی شان بررسی می کند.

در این مجموعه ها که گردایه ای است از واژگانی که با یکایک آن پیشینیان ما سخن گفتند، درد دل کردند، سینه به سینه نگه داشتند و زبان به زبان چرخاندند تا به عنوان میراثی گران بها در اختیار ما قرار گرفت؛ من بنا به حسّ ادای دین و انجام وظیفه نسبت به مردم دیار خود سعی کرده ام تا آن جا که در توان رفتم و نیروی پژوهشم بوده و هست (برای گردایه های دیگر) با کند و کاو در ریشه یابی این واژگان بکوشم چرا که معتقدم هر کس که توان، نیرو و استعدادی دارد نخست در قبال مردم دیار خود مسئول است زیرا از امکانات آن شهر و دیار استفاده کرده، کسانی از آن دیار برایش زحمت کشیده اند و ... پس باید نخست در برابر آن ها احساس مسئولیت و سپس ادای دین کند.

هر چند کار در حوزه ی زبان شناسی به ویژه ریشه شناسی بسیار سخت است و پر دردسر اما نمی توان با این بهانه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرد. با هجوم سیل آسای اطلاعات هر آن امکان دارد که چند واژه ی باقی مانده از گویش ما، در زیر گرد و غبار ایام به دست فراموشی سپرده شود و آن وقت مجبور باشیم با چراغ کورسوی زمان در لابلای اوراق گرد و خاک گرفته ی تاریخ، دنبال عتیقه ی واژگان بگردیم و افسوس و دریغ بخوریم که چرا به ثبت و ضبط آن ها همت نگماردیم.

هر چه هست این مجموعه و مجموعه های دیگر در این زمینه ها، شایمی است از دریایی بیکران که در طیّ سال ها تلاش و کوشش شبانه روزی به دست آورده ام و با کمال افتخار آن ها را به پیشگاه مردم دیارم تقدیم می کنم. این نوشته ها، غریب و بیگانه نیستند سخنان دلنشین خود شماست و شناسنامه و سند هویت همه ی مردم شهر ماست.

در این مجموعه گاه واژگانی در حد چندین صفحه بررسی شده است واژگانی چون «سیرف»، «آلر»، «هشتن»، «زُم بَسّه»، «نوط(ت)»، «گبر» و... وجه تسمیه های آن ها بیان شده مثل هایی که در رابطه با این واژگان هستند و... شاید این تحقیقات و به تبع آن مطالب بیان شده، برای نخستین بار است که در گویش بهبهانی آمده اند و قبل از آن، تاکنون مطلبی در حوزه ی گویش بهبهانی در میان متون و منابع دیده نشده است.

در این مجموعه که همانند دیگر مجموعه ها، تایپ و ویراستاری آن را شخصاً انجام داده ام، ادعا نمی کنیم که تمامی موارد ذکر شده درست است بلکه با توجه به کمبود منبع و گاه نبود منبع در این زمینه در گویش بهبهانی، ریشه یابی مطالب بر اساس تشخیص و مطالعات صورت گرفته، ذکر شده و همان گونه که در تمامی مجموعه ها گفته شده این کتاب ها، سرآغازی برای یک پوشش هستند تا به یاری خداوند در آینده جوانانی تازه نفس با بهره گیری از امکانات به روز به پویایی، زبانی و ماندگاری هرچه بیش تر این گویش اقدام کنند.

در پناه ایزد دانا، پایا و مانا باشید.

فرخنده نشاتی

تابستان ۱۳۹۷